



می‌کند. حالا اگر یک عده دوست دارند تا خودشان را بایگانی کنند مشکلی نیست چرا که آدم‌های توانمند و با استعداد پشت در سینما زیاد هستند و شاید حتی بعضی‌ها هم از این اتفاقی که می‌افتد خیلی استقبال کنند. یک عده از بازیگران خیلی دوست دارند بیشتر از آن ابعادی که استاندارد است دیده شوند، آدم‌های با استعداد زیادی هم پشت این در مانده‌اند، پس راه برای آن‌ها باز می‌شود. به نظر من در نهایت باز هم اتفاق بدی نمی‌افتد! وقتی که یک بازیگر مدام در سریال‌ها حضور داشته باشد می‌توان باز هم به او لقب سوپر استار را داد؟ ممکن است اگر فیلمی هم برای اکران داشته باشد، از آن فیلم هم استقبال نشود. در حال حاضر سریال «گیسو» با این همه ستاره، در رده سوم پهنده‌های خود نماوا است و این مساله برای آن‌ها یک زنگ خطر است.»

● این کارشناس رسانه و اهل هنر، اقبال سینما را معطوف به برگزاری جشنواره‌هایی مثل فجر نمی‌داند و بر این باور است که ارشاد باید نقش حاکمیتی خود را در برگزاری جشنواره‌های اینچنینی ایفا کند، چرا که برگزاری جشنواره‌های از این نوع فقط نمادین است و به کاری نمی‌آید.

این رویکردهای فرمالیستی در موقعیت سینمای ما جواب نمی‌دهد. اگر قرار بود با برگزاری صرف جشنواره اتفاقی برای سینمای ایران بیفتد، باید اکران عید پررونقی را می‌داشتیم اما این اتفاق نیفتاد چرا که سیاست‌گذاری کلان برای برگزاری حرفه‌ای آن انجام نشد و متولی این قضیه وزارت ارشاد است. ارشاد باید این کار را انجام دهد که نمی‌دهد و در واقع نقش حاکمیتی خودش را به عنوان متولی سینما در کشور ایفا نمی‌کند. وقتی ارشاد نقش حاکمیتی خودش را ایفا نکند همه چیز به این امور روبنایی صوری تبدیل می‌شود. ما نمادین جشنواره برگزار می‌کنیم و نمادین می‌گوییم که سینماها باز بسته شوند که این کارهای نمادین و تو خالی در این یک سالی که با وجود کرونا گذشت، ارغمانش را نشان داده‌است. واقعا چه ارغمانی را برای سینمای ایران به همراه داشته‌است؟ در حال حاضر می‌خواهیم جشنواره‌ی جهانی را هم برگزار کنیم، این چه سودی به حال سینما دارد؟ مخاطب را به سینما بازمی‌گرداند؟ اگر قرار بود مخاطب را بازگرداند چرا در اکران عید این اتفاق نیفتاد؟ من نمی‌خواهم بگویم که برگزار نشود، می‌گویم که نمادین برگزار کردن آن بی‌فایده است.

تا مشخص شود که آیا واقعا این بستر حداقلی چرخش مالی در سینما از لحاظ فنی این امکان را می‌دهد تا برای مثال یک سرمایه‌گذاری بخواهد معاف از مالیات شود یا خیر. من کتمان نمی‌کنم که سرمایه‌های ناپاک و سرمایه‌هایی که اراده‌ی معطوف به هنر در شان نبوده‌وارد سینمای ما شده، بلکه این هست منتهای اینکه به سمت سریال‌سازی حرکت کنند را نمی‌دانم. اگر بخواهیم در نظر بگیریم، در سریال‌سازی کل پول یک کار بیگ پروداکشن خاص برای مثال شصت میلیارد می‌شود. پول شویی و فرار مالیاتی در ابعاد چند صد میلیاردی و هزاران میلیاردی رخ می‌دهد و در آن ابعاد است که معنا پیدا می‌کند. در بودجه‌هایی با چهل، پنجاه میلیارد و کمتر از این‌ها نمی‌توانیم این را متصور شویم که آن اتفاقات خاص بخواهد ضرر بزند. برای کسی که بخواهد پول شویی و یا فرار مالیاتی کند آنقدر راه قانونی و غیر قانونی در کشور هست که دیگر نیازی نیست که به سینما و سریال ورود کند. خطر اما چیز دیگری است، خطر این است که صرفاً یک سری سرمایه‌گذار وارد این حوزه شوند که هدفشان خلق اثر هنری نباشد. در واقع هدفشان این باشد که برای مثال وارد یک فضای شوند و به چشم یک تفنن به آن نگاه کنند و بیست، سی میلیارد هم پول خریشان باشد؛ در نتیجه بخواهند وارد این فضا شوند تا یک تفننی کنند و یک فیلمی بسازند. یک عده هم باشند که سودشان را در تولید ببرند و در این بین مخاطب محلی از اعراب پیدا نکند. خطری که در سینما هم اتفاق افتاده، در سریال‌ها هم خودش را نشان داده است. یک سری آدم‌ها وارد شده‌اند و می‌گویند که ما پول فلان سریال را می‌دهیم و پلتفرم هم از خدا خواسته می‌گوید هزینه‌ی تولید تامین شده است. در نتیجه یک کار نازلی تولید می‌شود که مخاطب هم از آن استقبال نمی‌کند اما برای آنها اینکه مخاطب استقبال نمی‌کند مهم نیست. همان بلایی که سرمایه‌گذارهای این چنینی بر سر سینمای ایران آورده‌اند، ممکن است سر صنعت نمایش خانگی هم بیاورند.»



## ساداتیان

حتی قبل از این که کرونا را داشته باشیم سینما شرایط اقتصادی خوبی نداشت اما وقتی فیلم‌هایی اکران میشد که مردم با آن ارتباط برقرار میکردند سینما رونق خوبی میگرفت. قطعاً همین فرمول میتواند در آینده هم مصداق پیدا کند

اگر برای بچه در خانه همه‌ی لوازم الکترونیک بازی و انواع گیم‌ها فراهم کنید باز در آخر تاب و سرسره می‌خواهد! سینما هم تقریباً همینطور است و مخاطب هر چه در خانه به تماشای آثار بنشیند لذت فیلم دیدن روی پرده‌ی سینما و جادوی پرده‌ی بزرگ برای او غیر قابل جایگزین است. در نتیجه واقعا جایگزینی نمی‌تواند برای سینما باشد. وی‌اودی‌ها در هیچ جای دنیا نمی‌توانند این کار را کنند. برای مثال نتفلیکس، آمازون و اپل کارشان را می‌کنند و تولیداتشان را دارند، سینما هم کارش را انجام می‌دهد. در همین شرایط پاندمی افتتاحیه‌ی «گودزیلا علیه کونگ» اینطور که من در خاطر هست نزدیک به بیست میلیون دلار فقط در کالیفرنیا فروش داشته است.»

## رفتن به سمت تولیدات بیگ پروداکشن راه‌حلی است که سجاد نوروزی آن را پیشنهاد می‌دهد و آن راه‌چاره‌ای برای برون‌رفت از بحران می‌داند

بالاخره این افراد شناخته شده‌اند و رونق خودشان را امرونی سینما هستند، یعنی از حوزه‌ی سینما به شبکه‌نمایش خانگی رفته‌اند و برمی‌گردند. اینطور نخواهد بود که سریال‌سازی در ایران تبدیل به وجه غالب تولیدات شود این مساله در حال حاضر به دلیل شرایط این چنینی و بسته بودن سالن‌ها است و سریال‌سازی در همه جای دنیا مکمل سینما است. در واقع اصل و ذات این هنر سینما است و در هر صورت این آورده‌ی مالی را هم باز مرهون سینما هستند. بنابراین من احساس می‌کنم که در شرایط آینده‌ی ما تنها یک تفاوت ایجاد می‌شود. فیلم‌های لو باجت، فیلم‌های روشنفکری و فیلم‌هایی که با بودجه‌ی بعضی از ارگان‌ها ساخته می‌شوند و همچنین فیلم‌هایی که یک مقدار ممکن است از لحاظ فیلمنامه ضعیف باشند، در آینده‌ی اکران ایران جایی ندارند. به نظر من سالن‌های سینما در ایران بعد از شرایط کرونا به این سمت می‌روند که به فیلم‌های بیگ پروداکشن و فیلم‌های جدی‌تر بیشتر اقبال نشان دهند؛ از نظر اقتصادی هم چاره‌ای جز این ندارند. در نتیجه این تفاوت ایجاد می‌شود.

## نوروزی بر خلاف حسین فرحبخش معتقد است با بودجه‌های محدود شبکه‌نمایش خانگی با سینما نمی‌توان پول‌شویی خاصی کرد و آن اتفاقات در ابعاد خیلی کلان رخ می‌دهد

«فروش و چرخش مالی سینمای ایران در سال نود و هشت، دو بیست و نود میلیارد تومان بود. این چرخش دو بیست و نود میلیارد تومانی ممکن است پول یک آپارتمان در یکی از مناطق تهران باشد. در قیاس با جمعیت جوانی که داریم متأسفانه اصلاً مخاطب سینما نداریم. بنابراین این مسائلی که راجع به پول‌شویی و یا سرمایه‌گذاری گفته می‌شود باید مورد بررسی دقیق و فنی قرار گیرد